



۰۰۰ و آنگاه رزمندگان قلم به دست گرفتند

مصاحبه با مرتضی سرهنگی

کوچکی که حوزه هنری چراغ آن را برای آقای بهبودی و من روشن کرده بود، اولین صفحات این دفتر نوشته شد.

■ در بخش داستان تاکنون چه کرده اید؟
○ از کارهایی که کرده ایم راضی نیستیم. توجه ما بیشتر به گردآوری و تدوین خاطرات روزهای جنگ بوده است، زیرا به این آثار به چشم منابعی نگاه می کنیم که برای همیشه محل رجوع داستان نویسان و محققان خواهد بود.

از دو سال پیش به گونه ای جدی تر به مبحث داستان جنگ پرداخته ایم. به ویژه درباره رمان جنگ که شاید امثال شاهد چاپ دویا سه رمان خواندنی باشیم. از شما چه پنهان درباره داستان جنگ قدمهایمان را کمی با اختیاط برمی داریم.

■ در بخش داستانی بیشتر داستان کوتاه مطرح بوده یا رمان و داستان بلند؟ چرا؟

○ هر دو گونه برای ما مطرح بوده است. می گویند داستان انتقال «حسی» است که تجربه شده است. باید در انتظار «انتقال» صحیح آن نشد. قلمهایی که توان این انتقال را داشته باشند زیاد نیستند.

■ «جنگ و صلح» ادبیات مقاومت ما چه زمانی نوشته خواهد شد؟

○ آثار بزرگ را مردان و زنان بزرگ خلق می کنند. نویسندهان موفق جنگی که آثاری جاودان به یادگار گذاشته اند، از میدانهای نبرد دور نبوده اند و همه بزرگان بسوی باروت را می شناسند و رگهای گشوده انسانها را دیده اند. تولstoi افسر توپخانه بود. اریش ماریا مارک با اونیفورم سربازی در ارتش آلمان خدمت می کرد. آندره مالرو، همینکوی، مالاپارت، چنگیز آیتمانف، ویکتور هوگو، شولوخوف و... هر یک به گونه ای در گیر جنگ بودند. یادداشت‌های روزانه ویکتور هوگو از محاصره شانزده هفته‌ای پاریس از جذابترین آثار جنگی است که دفتر ما آن را ترجمه کرده است و این کتاب اکنون در نوبت چاپ است. برای دیدن چهره بزرگان ادبیات جنگ حداقل یک دهه پیش رو داریم. نسلی که گمنام از جامعه جنگی بازگشته، امروز به جامعه ادبی ما پیوسته است.

■ با این سوال شروع کنیم که تعبیر شما از ادبیات مقاومت چیست؟

○ ادبیات مقاومت ما سهمی از ادبیات است که می خواهد رویدادهای سرنوشت ساز ملتها را مطرح کند. مبارزات توده مردم علیه هر عاملی که ایده آنها و ارزش‌های آنان را تهدید می کند بستر تولد ادبیات مقاومت است. امروز این ادبیات چنان بازندگی اجتماعی ملتها آمیخته است که گویی ادبیات در جهان چیزی جز مقاومت نبوده و نیست.

■ آیا مأمور از ادبیات مقاومت، تنها جنگ عراق علیه ایران است؟

○ چراغ دفتر در ابتدای همین مأمور روش شد، اما وقتی این دفتر سالم‌تر شد و استخوان ترکاند، پایی به آن سوی مرزها هم گذاشتیم.

تا امروز برخی از آثار مقاومت افغانستان، بوسنی، یونان، فرانسه و آفریقا را چاپ کرده ایم برخی نیز زیر چاپ است.

■ آیا ادبیات انقلاب اسلامی به یک معنی جزو ادبیات مقاومت به شمار نمی آید؟

○ پیر! به شمار می آید. اگر تیر رها شده انقلاب را پانزده خرداد ۱۳۴۲ پدالیم که در بهمن ماه ۱۳۵۷ به هدف اصابت کرد، تا امروز سی و پنج سال مبارزه پشت ادبیات انقلاب لنگر انداخته است. انقلاب و جنگ هر دو مبدأ تاریخند. ادبیات چطور جرأت می کند در این تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی سهیم نباشد!

■ چه کارهای اساسی در زمینه ادبیات جنگ در کشور انجام شده است؟

○ ادبیات جنگ سن و سالی ندارد. کارهای پراکنده‌ای که انجام می شود، بیشتر از دردهنده و دلسوزی مایه می گیرد تا تکلیف اداری و دولتی. اگر طناب این «درد» به بودجه دولتی گره بخورد (نه به تکلیف آن) به قله‌های بلندی می توان صعود کرد.

■ تشكیل و پیدایش این دفتر چگونه بود؟

○ وقتی قطعنامه پذیرفته شد و مردان میدانهای نبرد به شهرهای خود بازگشتد، در اتاق

اشاره

دفتر ادبیات و هنر مقاومت آذرماه سال ۱۳۶۷ در حوزه هنری کار خود را از یک اتاق کوچک شروع کرد. هدف این دفتر که چند ماه پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ کار خود را آغاز کرد گردآوری و تدوین آثار ادبی و هنری به جای مانده از دوران دفاع هشت ساله است.

ادبیات و هنر جنگ در کشورهایی که ابرهای خونرنگ نبردهای ملی و دینی را در پهنه آسمان خود دیده اند، از احترام ویژه ای برخوردار است.

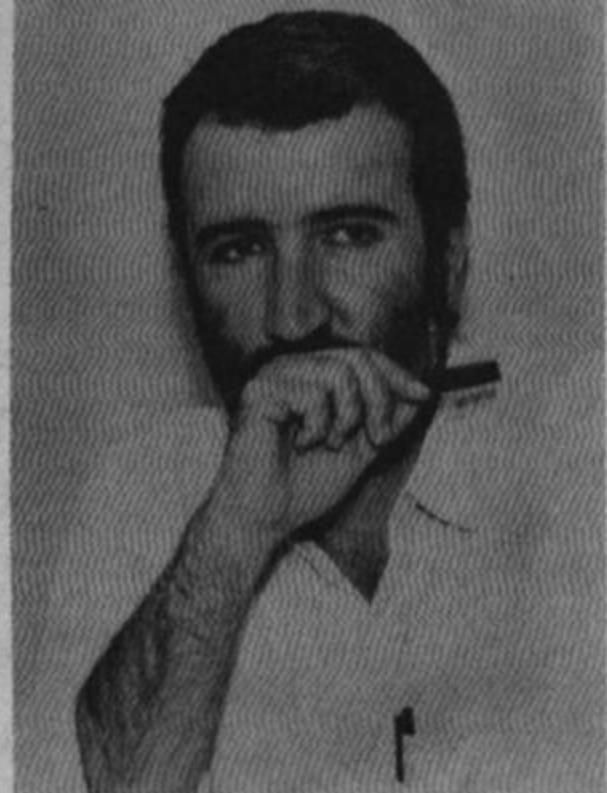
ملتها به این ادبیات به چشم یک گنجینه زوال ناپذیر نگاه می کنند زیرا به قیمت گزافی آن را به دست می آورند. تلاش برای گردآوری و تدوین این آثار ارزشمند همواره از یک پشتونه غنی ملی برخوردار بوده و ملتها ترجیح می دهند که قهرمانان ملی خود را از میان کسانی برگزینند و برای نسل های آینده خود الگو قرار دهند که زخمی از یک جنگ سرنوشت ساز بر سیه داشته باشد. چهره مردانه این قهرمانان وقتی از میان دود و غبار میدانهای نبرد پدیدار می شود که بر صفحات کتاب راه یابد. این قهرمانان همان طور که مرزهای آرمانی و جغرافیایی ملت و میهن خود را حفظ می کنند آثارشان نیز نگهدارنده مرزهای ادبی و هنری در برایر تهاجم آثار بیگانگان است.

آثار ادبی و هنری جنگ به لحاظ دارا بودن ابعاد قوی انسانی همواره یک اثر بی مرز شناخته شده و مطالعه و تحقیق آن برای ملت‌های دیگر گیراو آموزنده است.

حوزه هنری که شانه های خود را زیر بار رسالت ادبی و هنری دو تحول بزرگ کشورمان - انقلاب و جنگ - می بیند با روشن کردن چراغ دفتر ادبیات و هنر مقاومت آن هم در شرایط سیاسی - اجتماعی ماههای بعد از پذیرش قطعنامه گامهای متعهد و مصمم خود را برای تحقق بخشیدن به ادبیات و هنر دفاع هشت ساله مان برمی دارد.

مرتضی سرهنگی و هدایت الله بهبودی از روش کنندگان اصلی و مصمم این چراغ روشن بخش اند. مصاحبه ای که در ذیل من خوانید گزارشی است کوتاه از دفتر ادبیات و هنر مقاومت به روایت مرتضی سرهنگی مسؤول دفتر ادبیات و هنر مقاومت.

بخش مصاحبه و گزارش



- ادبیات چطور جرأت می کند در تحولات عظیم اجتماعی و سیاسی سهیم نباشد؟
- از کارهایی که کرده ایم راضی نیستیم!
- برای دیدن چهره "بزرگان ادبیات جنگ حداقل یک دهه پیش رو داریم.
- معتقدم درباره "جنگ اثر ضعیف نداریم.

ساعت، منظم و دقیق کار کنند تا نتیجه مطلوب به دست آید. اگر مانع توانستیم در سال ۱۳۶۸ خاطرات کودکان و نوجوانان را از "شباهی بمباران" گردآوری کنیم، تصور می کنید امروز ممکن بود که هفده جلد از این آثار را در قفسه کتابفروشیها دید؟

■ آیا از نقش مطبوعات درباره ادبیات مقاومت راضی هستید؟

○ از همان روزهای اول جنگ مطبوعات در گنار رزم‌مندگان بودند. روزنامه‌ها بیشتر به لایه بیرونی جنگ که همان چاپ اخبار و گزارش‌های مصوّر بود اکتفا می کردند. به علت حساسیت موضوع نیز چاره‌ای جز این نبود. اما بعد از سالهای ۱۳۶۴ یا ۱۳۶۵ مطبوعات با نشر صفحات ویژه به لایه‌های درونی جنگ نزدیک‌تر شدند. هنوز هم در بعضی مطبوعات این صفحات ویژه بروبیانی دارند. به نظرم روزنامه "جمهوری اسلامی" در این زمینه موفق‌تر و پیشگام‌تر باشد. یک نکته مهم هم بگوییم که مطبوعات با چاپ آثار رزم‌مندگان اعتماد به نفس را در آنان نکثیر کردند. این کار کوچکی نبود!

■ آیا بین دفتر با بنیاد حفظ آثار جنگ فرماندهی کل قوا، دفتر هنر و ادبیات ایشان بنیاد جانبازان، واحد جنگ وزارت ارشاد، انتشارات سپاه و ارتش تداخل عملی وجود ندارد؟ آیا با اینها هم‌فکری و همکاری دارید؟

○ آگوش "دفتر ادبیات و هنر مقاومت" به روی همه مراکز و افرادی که برای زنده کردن آثار دوران دفاع می سوزند و می نویسند، باز است.

■ سپاس‌گزار خواهیم بود چنانچه آماری از کتابهای این دفتر ارائه کنید.

○ تا امروز بیش از سیصد عنوان کتاب درباره جنگ از سوی دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری منتشر شده که بیست عنوان آن در دسته داستانهای کوتاه و بلند است.

■ امیدواریم در ایفای رسالت خود هر چه بیشتر توفیق بیابد. چشم به راه نشر کتابهای بعدی این دفتر هستیم.

به لحاظ محتوا حرفی برای گفتن دارد. معتقدم درباره جنگ اثر ضعیف نداریم. جنگ حادثه بزرگی است که یا باید آن را دید و یا باید درباره اش خواند. از همین رو هر کتابی که بتواند لحظه‌ای از جنگ را برای ما ترسیم کند، غنیمت است.

■ آیا برای بزرگوارانی همچون آزادگان و جانبازان کار مستقلی انجام نمی شود؟ اصلاً آیا قائل به مقولاتی به نام ادبیات جانبازی یا اشارت هستید؟

○ از خاطرات آزادگان تا امروز که رو به روی یکدیگر نشسته‌ایم و صحبت می کنیم، حدود ۵۰ جلد کتاب منتشر کرده‌ایم. این گونه ادبی در دنیا به نام "ادبیات بازداشتگاهی" شناخته شده است. دو سال پیش همایشی درباره ادبیات مقاومت در لبنان برگزار شد که یکی از موضوعات مورد بحث آن بررسی چندهای گوناگون "ادبیات بازداشتگاهی" بود.

■ از چاپ خاطرات اسیران جنگی عراق بگویید؟

○ اسیر عراقی در ایران با دنیایی رو به رو شد که پیشتر تصور دیگری از آن داشت. نخستین تأثیر تنفس در آینه هوای قازه، ادای دین به مردم ایران بود: نگارش خاطرات. خاطرات بخش مهم آثار ادبی اسیران جنگی عراق در ایران است.

این خاطرات مانند خاطرات رزم‌مندگان خودمان از دو جنبه "ادبی" و "سندي" ارزشمندند و پای مارا به دنیایی از جنگ باز می کنند که پیش از آن هرگز قادر به دیدن آن نبودیم و حادثه‌هایی را بازمی گویند که گاهی برای خود ما باورنکردنی است. ما با قایق این خاطرات می توانیم پا به ساحل جبهه دشمن خود بگذاریم.

■ چیرا دفتر کارهای گستردۀ ای از قبیل گردآوری و چاپ "شباهی بمباران" را ادامه نداد؟

○ یکی از مشکلات کاری دفتر محدودیت زمانی آن است. سرعت برای گردآوری آثار جنگ شرط اول است. در واقع زمان بی معرفت به زبان ما حرکت می کند!

طبعیت نشر آثار جنگ مثل طبیعت خود جنگ است؛ همه چیز باید مثل عقره‌های

در تحقیقی که از سوی یکی از نویسندگان جنگی دفتر ما صورت گرفته می‌انگین سی مدافعان جوان ما که به نگارش آثار ادبی جنگ می پردازند ۲۵ سال است، در صورتی که نویسندگان جنگی دنیا در ۳۵ سالگی به بلوغ و پختگی رسیدند و اثر خود را به جهانیان عرضه کردند.

■ می توانید نمونه‌هایی از این تحقیق را بگویید؟

○ بله! تولstoi چهل و یک ساله بود که "جنگ و صلح" را نوشت. اریش ماریا مارک "در غرب خبری نیست" را در سی و دو سالگی نوشت. شولوخف سی و پنج ساله بود که به سطر آخر "دن آرام" نقطه پایان گذاشت و ... از همین رو می گوییم به دهه آینده ادبی، باید با چشمان بازتری نگاه کرد.

■ بهترین داستان کوتاه و رمان جنگ که تاکنون خوانده اید، کدام است؟

○ داستان کوتاه "قادصدک" نوشته عزیزم علی مؤذنی مراه وجد آورد. برای خواندن رمان خوب جنگ نیز چشم به سالهای آینده دارم.

■ آیا در بخش ادبیات داستانی، کتابهای نظری، تحلیلی و نقد هم دارید؟

○ نه، نداریم! اما درباره مباحث نظری "خاطرات جنگ" به مرزهای تازه‌ای رسیده‌ایم. یک کتاب هم با عنوان "درآمدی بر خاطره نویسی و خاطره نگاشته‌ها در گستره ادب مقاومت و فرهنگ جبهه" از چاپخانه بیرون آمده است. این کتاب دستاوردهای تلاش چند ساله محقق ارجمند آقای علیرضا کمری است.

■ آیا خاطرات چاپ شده توسط نویسندگان و اهل ادب، ویراستاری و بازنویسی نمی شود؟ چرا بعضی کارهای این قدر ضعیف است؟

○ نویسنده‌های حرفه‌ای ما در دفاع از کشورشان غایب بودند. به همین دلیل آنچه درباره جنگ نوشته می شود به قلم رزم‌مندگان است. این آثار برای خواندنی تر شدن، از زیر خودکار قرمز ویراستاران عبور می کند. ممکن است کتابی به لحاظ ویراستاری ضعیف باشد اما